

بحث ما در مورد حق گوش به اینجا منتهی شد که حق سمع و گوش بر انسان این است که اول شنیدنی‌های خودش را کنترل و پاک کند و یک به طریق پاک برای ورود مسموعات قرار دهد و این محقق نمی‌شود جز اینکه فقط به شنیدنی‌های با قیمت و ارزشمند اجازه ورود بدهد؛ یعنی فقط چیزهای با ارزش را بشنود. حالا آن شنیدنی‌های کریم و با ارزش چیست؟ فهرستی از امور را می‌توانیم ذکر کنیم. دو معیار اینجا برای شنیدنی‌های ارزشمند ذکر شده است. شنیدنی‌های ارزشمند و مفید مثل شنیدن قرآن، شنیدن ذکر خدا که مبدأ عالم هستی است، شنیدن سخنانی که به معاد و مرگ مربوط است، شنیدن گرفتاری‌ها و مشکلات مردم که به دنبالش تلاش برای حل مشکلات مردم صورت می‌گیرد، شنیدن نام اهل بیت (ع) و سخن اهل بیت (ع)، شنیدن علم نافع؛ اینها همه از مصادیق شنیدنی‌های ارزشمند است. انسان باید راه گوشش را فقط برای این امور باز بگذارد؛ شنیدن چیزهای دیگر جز خسارت چیزی در انسان باقی نمی‌گذارد. این دو معیاری که امام سجاد (ع) برای شنیدنی‌های ارزشمند گفته‌اند چیست؟ «تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا»، یک خیری را در قلب تو ایجاد کند یا یک خلق کریم و رفتار با ارزشی را برای تو کسب کند. شنیدنی ارزشمند را با این دو ویژگی یا خصوصیت توصیف می‌کند. این در حقیقت هم توصیف فوهة کریمه...

شنیدنی ارزشمند این است؛ یعنی اگر غیر از این باشد، شنیدنی ارزشمند نیست. شنیدنی ارزشمند به طور قهری در قلب انسان خیری را ایجاد می‌کند یا خلق کریم را کسب می‌کند. این دو چیز است؛ اینجا حضرت می‌خواهد به دو مسأله اشاره کند:

۱. ایجاد خیر در قلب

یکی اینکه در قلب و روح و روان و ذهن تو خیر ایجاد کند؛ خیر یک دامنه وسیعی دارد. هر چه باعث شود ظرف روح انسان وسعت پیدا کند این شنیدنی ارزشمند است. نمونه‌هایی که من عرض کردم، همه فوهة کریمه محسوب می‌شوند؛ چون در قلب انسان خیر ایجاد می‌کنند. شنیدن قرآن در قلب انسان خیر ایجاد می‌کند؛ شنیدن علم نافع برای انسان خیر ایجاد می‌کند، علم نافع روح انسان را بزرگ می‌کند و خیری در قلب و روح انسان ایجاد می‌شود. هر چه به وسعت روح و پاکی روح کمک کند، شنیدنی ارزشمند و قیمتی محسوب می‌شود. حالا بسنجیم که از صبح تا شب چقدر شنیدنی‌های بی‌ارزش بلکه ضد ارزشی از طریق گوش وارد قلب ما می‌شود. غیبت روح را کدر و ضعیف می‌کند، دروغ و تهمت؛ شنیدن این امور به جای اینکه در قلب انسان خیر ایجاد کند، شر ایجاد می‌کند و ناپاکی و بدی در قلب انسان حادث می‌کند. اگر کسی این کار را کند معلوم است که حق سمع را ادا نکرده است.

۲. کسب خلق کریم

معیار دوم «أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا» است. خُلق کریم به چه معناست؟ شنیدنی قیمتی یک معیارش این است که انسان با شنیدن آن، خُلق کریم کسب کند؛ آیا این امری غیر از اولی است؟ غیر از ایجاد خیر در قلب است؟ بله، ولی با هم پیوند دارند. خُلق مفرد اخلاق است؛ اخلاق مفردش یا خُلق است یا خُلُق. خُلق به معنای صفت یا سرشتی است که در انسان تبدیل به عادت یا ملکه شود، به گونه‌ای که ناخودآگاه در ظرف خاص آن رفتار از او سر بزند؛ اخلاق هر چند مربوط به صفات درونی انسان است، ولی اگر صفات درونی انسان منشأ رفتاری در آدمی شود، آن هم به نحوی که ناخودآگاه این رفتار از او سر بزند، به این

اخلاق می‌گویند. اگر کسی مثلاً به یک باره در شرایطی خاص کاری از او سر بزند، نمی‌گویند خلقش این است. مثلاً کسی که به محض عصبانی شدن فحش می‌دهد، این خلق اوست. کسی که ناخودآگاه فحش می‌دهد، این خلق اوست. اما اگر کسی به طور متعارف در صورت عصبانیت فحش نمی‌دهد اما ناگهانی اگر این کار را برای یک بار انجام داد در یک شرایطی، این را نمی‌گویند اخلاقش این است. این رفتار غلط است، چه عادت باشد و چه نباشد، اما خلق این است که آن صفت درونی که در انسان ریشه دوانده و رسوخ کرده، باعث شود که انسان در فضا و شرایط خاصی که قرار می‌گیرد، ناخودآگاه آن رفتار از او سر بزند. یعنی بدون فکر و تأمل این عکس العمل را نشان بدهد.

یکی از معیارها و ویژگی‌هایی که حضرت اشاره می‌کند برای شنیدنی ارزشمند، آن است که موجب شود انسان یک خلق کریم یا خُلق کریم و با ارزش پیدا کند. این خودش نمونه‌ها و مصادیق فراوانی دارد. آنچه که باعث شود رفتار انسان اصلاح شود. کلام معلم و مربی اخلاق، قرآن، یاد مرگ، همه اینها می‌شود شنیدنی ارزشمند.

پس شنیدنی ارزشمند دو اثر باید داشته باشد؛ حضرت دو معیار می‌دهد و می‌فرماید شنیدنی ارزشمند آن است که «تحدث فی قلبک خیراً» روح تو را روح خوب و پاک و بزرگ کند؛ هم روح و روان را، و هم رفتار را. لذا اینجا به دو جنبه اشاره می‌کند؛ شنیدنی ارزشمند آن است که روان و روح و رفتار انسان را خوب می‌کند. یعنی هم پندار آدمی و هم کردار آدمی را و هم گفتار آدمی را اصلاح کند. چون گفتار و سخن گفتن هم خودش یک فعل است؛ این گفتار، گفتار خوب با استماع خوب پیوستگی دارد. بعد فرمود دلیلش این است (که قبلاً توضیح دادیم که چرا باید گوش خودت را از ناپاکی‌ها پاک کنی و منزّه کنی و فقط آن را دروازه این امور قرار دهی) «فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي إِلَيْهِ ضَرْبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ». این را اول بحث مفصل توضیح دادیم که جایگاه گوش چیست و چرا اینقدر مهم است؛ گفتیم دروازه است و گوش دروازه‌بان است. ان شاء الله بعد از ماه مبارک رمضان، احکام مربوط به عقد را دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»